



حقوق فرزندان نسبت به والدین در خصوص تربیت مذهبی

بنت الهدا دانیال زاده نمینی

کارشناسی ارشد حقوق خانواده از دانشگاه غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

ایمیل: bentolhodadaniaal@yahoo.com

چکیده

به دلیل هماهنگی مسائل مذهبی با فطرت خدادادی بشر و اینکه تربیت مذهبی بر پایه ی اعتدال و میانه روی استوار است، و موجب برانگیختگی حس مسئولیت پذیری در قبال خدای متعال و افراد جامعه و پرورش متعالی روح انسان است، فلذا تربیت مذهبی اهمیت ویژه ای می یابد. به دلیل اینکه قلب و روح کودک همانند زمینی بدون کشت است که نیازمند رویش گیاهانی زیبا و دل انگیز است؛ والدین باید با توجه به آموزه های مذهبی و تعالیم اسلامی بتوانند روح و جان فرزندشان را با این آموزه ها و آیات الهی مانوس کنند و خود نیز عامل به توصیه ها و آموزش های خویش باشند تا نقش این معارف را در جان فرزند در سنین پایین بنشانند و فطرت فرزند را به سمت نیکی سوق دهند؛ زیرا زمانی که فرزند به سن رشد و بلوغ برسد نقش والدین کم رنگ تر شده و فرزند تحت تاثیر دوستان و عوامل محیطی قرار میگیرد و در این مرحله فرزند در انتخاب عقاید خویش آزادی نسبی دارد و میتواند به تحقیق و تفحص بپردازد و با بینشی عمیق و با توجه به آموزه های دوران کودکی دین حق را دریابد. این موضوع آزادی عقاید از دیدگاه دولتها و اعلامیه های حقوقی بین الملل نیز تایید شده و مورد احترام و جزء حقوق فردی قرار گرفته؛ که با آموزه های اسلامی تا حدودی مغایرت دارد.

کلید واژه ها : حقوق ، فرزند ، والدین ، مسائل مذهبی



۱- مقدمه

فرزند شایسته، خواسته ی طبیعی و فطری همه ی والدین است پرورش فرزندان شایسته، دارای شرایط ویژه ای است؛ از جمله اینکه والدین ابتدا رابطه ی خود را با پروردگارشان اصلاح کرده و باورهای دینی مناسب را برگزینند و عوامل زمینه ساز تربیت مناسب کودک مثل؛ انتخاب همسر مناسب و با ایمان، رعایت سفارشات مذهبی در دوران بارداری و...

با توجه به این موضوع که اسلام دین جامع و کاملی است که در هر زمینه ای دستور العمل های کاملی را تبیین نموده، از جمله در زمینه ی تربیت مذهبی فرزند که در هر مقطعی آنرا بیان نموده و راهکارهای مناسبی را ارائه فرموده و این را جزء حقوق معنوی فرزند و نیاز فطری او معرفی کرده و والدین رو در این زمینه موظف کرده که تا در تربیت مذهبی فرزندانشان بکوشند و والدین رو نسبت به سایر افراد در این موضوع شایسته تر دانسته و قطعاً اگر والدین در این باره کوتاهی داشته باشند در قبال فرزندشان و در نزد پروردگار مسئول خواهند بود.

اهمیت این موضوع بقدری است که در آیات و روایت فراوانی به این موضوع سفارش و تاکید شده وحتی در حقوق بین الملل و کنوانسیون حقوق کودک و سایر قوانین بین المللی هم به عنوان یک حق مهم برای فرزند در نظر گرفته شده، و این اهمیت زمانی بیشتر می شود که در ماده ی ۱۱۹۲ ق.م که مقتبس از فقه امامیه است ، ولایت کافر بر مسلمان منع شده است و ولی مسلمان نمی تواند بر امور مولی علیه خود وصی غیر مسلمان معین نماید.

این موضوع نشان دهنده ی حساسیت بسیار زیاد امر تعلیم و تربیت فرزند علی الخصوص تربیت مذهبی کودک است که اگر به شخص غیر مسلمان واگذار شود، می تواند اثرات مخربی را بر روح و روان فرزند بگذارد که شاید غیر قابل جبران باشد، فلذا والدین باید با توجه ویژه ای به این امر مهم بپردازند، تا هم حق فرزندشان رو تضییع نکرده باشند و هم در پیشگاه الهی شرمنده نباشند.

۲- مفاهیم و اصطلاحات

۲-۱- تربیت

تربیت از ماده "ربو" و به معنای افزودن و رشد و نمو کردن یا از ماده "رب" به معنای صاحب، خالق، مالک و مصلح است. و در اصطلاح ؛ تربیت عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخص دیگری به منظور اثر گذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار یک فرد دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می دهد.



۲-۲- خانواده

خانواده، گروه کوچکی است که در حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است. و در اصطلاح تعلیم اسلامی؛ خانواده، مجموعه‌ای است از افراد با رابطه‌های سببی و نسبی و این افراد نسبت به هم متناسب با نوع نسبت و ارتباط، مسئولیت‌های اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و دینی دارند.

۳-۲- اولاد

اولاد جمع ولد به معنی فرزند است. این کلمه به دو معنای عام و خاص به کار می‌رود:

- در معنای عام، شامل تمام کسانی است که از نسل شخص به وجود آمده‌اند، خواه با واسطه یا بی واسطه. در این معنا، نواده‌های شخص نیز هر اندازه پایین‌برود، در زمره اولاد است.
- اما در معنای خاص؛ به کسانی گفته می‌شود که بی واسطه از نسل شخص بوجود آمده‌اند.

3

۲-۴- اعتقادات والدین

باورهای دینی و اعتقادی والدین در تحکیم خانواده و تربیت فرزند نقش مهمی دارد و بیگانگی و بی‌توجهی آنها به اعتقادات و باورهای مذهبی، باعث مشکلات جدی در زندگی خواهد شد؛ چنان‌که خداوند میفرماید؛ " وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا" یعنی هر کس از یاد و ذکر من گردان شود، در زندگی سختی قرار خواهد گرفت. ذکر و یاد خداوند، از باور و اعتقاد درونی به خالق هستی و ایمان به توحید بر می‌خیزد و زندگی سخت و ناگوار، ترس و اضطراب و استرس‌های روزافزون، می‌تواند حاصل این روی گردانی باشد.

باورها و اعتقادات دینی نموده‌های مختلفی دارد که در طول یکدیگرند، این نمودها عبارت است از:

الف- اعتقاد به خداوند

سلامت بخش‌ترین جنبه‌ی دین، توانایی آن در فرو کاستن از نگرانی‌ها و تشویش‌ها از طریق اعطای این اندیشه است که در سایه‌ی قدرت خداوند، می‌توان بر مشکلات فائق آمد؛ قدرتی که برترین قدرت‌هاست. این باور، همان اعتقاد به خدای یگانه است که مهمترین باور دینی شمرده می‌شود. فردی که خدا را ناظر و همراه خود می‌بیند، می‌کوشد در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت‌آورا جلب نماید.

ب- اعتقاد به رسالت و امامت

باور دینی که رکن دین داری به شمار می‌رود، اعتقاد به رسالت انبیای الهی است. نقش باور به اصل نبوت و امامت از دو جنبه دارای اهمیت است:



۱. شناخت تعالیم دین، پس از کلام خداوند، به وسیله ی سخنان پیامبر (ص) و جانشینان وی است؛ به گونه ای که استفاده صحیح از کلام خداوند، مبتنی بر شناخت و درک سخنان اولیای دین است.

۲. اولیای دین بهترین الگو برای زندگی افراد هستند. از آنجا که افراد برای یادگیری شیوه رفتاری و برخورد مناسب در خانواده، به نمونه های عینی رفتاری در همه ابعاد زندگی نیازمند هستند، خواه نا خواه به سوی چنین الگوهایی کشیده می شوند؛ از این رو ارائه نمونه های مناسب برای کارایی بهتر افراد و خانواده ها و رویارویی با مسایل زندگی، سودمند خواهد بود؛ چنان که خداوند می فرماید: "مسلمای برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که به رحمت خدا و روز رستاخیز امید دارند و خدا را بسیار یاد می کنند." (سلیمیان ریزی، ۱۳۹۳)

۳- حقوق فرزندان بر والدین از دیدگاه اسلام

اجتماع انسانی متشکل از حقوق و وظایف افراد گوناگون در قبال یکدیگر است که با رعایت این حقوق بسیار از مشکلات جامعه حل گشته و زندگی افراد در جهت صلح و آرامش سوق پیدا میکند. عقل و فطرت سلیم بشری حکم میکند که انسان دارای حقوقی است و در یک خانواده که اساسی ترین رکن جامعه است والدین از مسئولان ادای این حقوق به شمار می آیند؛ پیش از آنکه والدین بر فرزند خود حقی پیدا کنند، حق فرزند نسبت به والدین پدید می آید، و بر آنان است که چون باغبانی دلسوز در پرورش این گل های زیبای زندگی بکوشند. زمانی که والدین وظایف خود در قبال فرزندان خویش از جمله تربیت صحیح و آموزش احکام الهی را به خوبی انجام دهند، نتایج اعمال خود که فرزند صالح و نیک است را مشاهده خواهند نمود.

رسول خدا (ص) در وصیت خود به حضرت علی (ع) می فرماید: "يَلْزِمُ الْوَالِدِينَ مِنَ الْعُقُوقِ الْوَالِدَ مَا يَلْزِمُ الْوَلَدَ لَهُمَا مِنَ الْعُقُوقِ" یعنی پدر و مادر را در آزردن فرزند همان گریبان گیر شود که فرزند را در آزردن آنان.

پس حقوق متقابل فرزند و والدین در شرع ایجاب می کند که همواره با یکدیگر با خوب رویی و محبت رفتار کنند و در بخشی دیگر از همان وصیت می فرماید: "رَجِمَ اللَّهُ وَالِدِينَ جَمِيلًا وَلَدَهُمَا عَلَىٰ بَرِّهِمَا" یعنی رحمت خدا بر والدینی که فرزندان شان را به نیکی با خود وا دارند. چرا که چنین رفتاری باعث تربیت صحیح فرزند گشته و نیکی و انسانیت را در جامعه گسترش می دهد، والدین ملزم به پرورش و مواظبت صحیح از این امانت بزرگ الهی هستند. خیانت به این امانت و بی توجهی به وظایف خود، نابسامانی ها و ناهنجاری های خانوادگی و اجتماعی را در پی می آورد.

قلب کودکان همانند زمینی است که هنوز در آن بذری افشاندن نشده است و هر بذری که در آن افشاندن شود، اگر خار باشد، خار و اگر گل باشد، گل می رویاند. فرزندان از ابتدای طفولیت تحت تأثیر شیوه های رفتاری والدین شان رشد می کنند و از نظر جسمی و روحی، اخلاقی و مذهبی مولود خصوصیات آنانند. و والدین مسئول هر گونه عقب افتادگی و ناتوانی فرزندان خود هستند به گونه ای که خدای متعال در این باره اینگونه هشدار می دهد: "وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ... سَدِيدًا". کسانی که فرزندان ناتوان از آنان بر جای می ماند، از خدا بترسند و نیک گفتار باشند.



پدران که سرپرست خانواده اند باید بیش از مادران از عهده وظایف شرعی و عرفی و عقلی خویش در این زمینه بر آیند، اسلام، پدران را مسئول ادای حقوق زن و فرزندشان می شمارد و هر گونه کوتاهی در این مورد را شایسته کیفر می داند.

چنانچه رسول خدا(ص) می فرماید: "الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ وَكُلُّ رَاعٍ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ" مرد سرپرست خانواده است و هر سرپرستی مسئول افراد تحت سرپرستی خود است

حقوق دانان و دانشوران جهان، چهارده قرن پس از این تاکیدات صریح اسلام، بر آن شدند که با تصویب " اعلامیه جهانی حقوق کودک" در سازمان ملل متحد به این وظیفه فطری جنبه رسمی و بین المللی بخشند.

در اصل هشتم این اعلامیه آمده است: " کودک باید در هر حال جزء اولین کسانی باشد که حمایت و تسهیلات بهره مند گردد."

و همچنین در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد در ماده ۲۶ بند ۳ بیان شده که: پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

5

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: " من و علی پدران یتیم و حقوقمان بر آنان از حقوق والدینشان بیشتر است؛ زیرا اگر از ما اطاعت کنند، از گمراهی و آتش دوزخ به بهشت رهنمونشان می سازیم و از بندگی خارج ساخته، به بهترین آزادگان ملحق می نماییم.

رابطه ی والدین و بویژه مادران با نوزاد، حتی از تغذیه او مهم تر است. والدین باید حالات عاطفی نوزاد را کاملاً در یابند، مادر تکیه گاه عاطفی فرزند است و عمده مسئولیت عاطفی وی را بر عهده دارد. (میرزایی، ۱۳۹۰: ۱۸)

۴- عوامل زمینه ساز در تربیت

آنچه از روایات به دست می آید، این است که تربیت کودک پیش از ورود به این جهان شروع می شود. بنابراین سه مرحله را برای تربیت می توان در نظر گرفت:

۴-۱- دوران پیش از تولد

دوران پیش از تولد کودک، محدود به سال و ماه نیست بلکه برنامه ریزی برای آن به قبل از ازدواج باز می گردد.

اولین معیاری که باید مورد توجه باشد انتخاب همسر می باشد؛ زیرا کودک، حساس ترین زمان رشد و تربیت خود را خانواده می گذراندن و زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می روند. از این رو اگر همسران از نظر جسمی، سالم و از نظر روحی و معنوی صالح و تربیت یافته باشند، به جرات می توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند، سامان یافته و تضمین شده است.



دومین معیاری که اهمیت دارد دوران بارداری مادر می باشد که از نظر اسلام چگونگی بارداری و تغذیه و قرائت قرآن و شنیدن آن و رعایت آداب اسلامی در شخصیت و روحیات کودک تاثیر گذار است و همین موضوع به ظاهر کم اهمیت، می تواند نقش بسیار مهم و حیاتی را در تکوین و تربیت روحی فرزندان ایفا کند.

۴-۲- آغاز تولد

سنت گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، حکایت از نقش آفرینی نخستین صداها در طبیعت کودک و تاثیر آن در تربیت و سرنوشت او دارد، از این رو بر والدین است که این حق کودک را ادا نمایند و برترین و بهترین اصوات و کلمات و ندای روح بخش توحید و گواهی به وحدانیت الهی را به گوش نوزاد برسانند.

نهادن نام نیکو بر فرزند و پرهیز از انتخاب نام های زشت و اسم های جباران و ستمگران، نخستین نیکی پدر و مادر در حق فرزندش است. صادقانه ترین و حقیقی ترین نام ها، اسم هایی اند که گویای بندگی و عبودیت خداوند منان باشند، مانند برترین و ممتازترین اسماء که نام های انبیاء و معصومین (ع) و اولیای الهی و صلحا هستند.

6

امام رضا (ع) فرمودند: " فرزندت را به بهترین نام ها نامگذاری کن و نیکوترین کنیه ها را بر او بگذار."

برداشتن کام کودک؛ مقصود از این عمل مالیدن مقداری تربت سیدالشهدا و آب فرات به کام نوزاد است. حکمت این کار، آن است که حق طلبی، عدالت خواهی و دوستی اهل بیت (ع) در آغاز زندگی، در جان کودک نفوذ کند.

عقیقه کردن؛ فدا و بهایی در برابر سلامت جان کودک است. عقیقه؛ مایه تقرب کودک به خدا و نیز توجه خدا به کودک و خواری شیطان و دوری او از انسان است. عقیقه، شکرانه نعمت خدا به انسان است.

ختنه کردن؛ در سخنی از امام صادق (ع) آمده است که: " روز هفتم فرزندانان را ختنه کنید چرا که مایه پاکیزگی بیشتر و رویش زودتر گوشت است."

۴-۳- دوران کودکی

تربیت عادی و صحیح طفل، به مراتب ساده تر از تربیت مجدد اوست و در تربیت اولیه، هزینه مادی و معنوی کمتری نیاز است. پس رعایت رهنمونهای دینی، از دشواری و سختی تربیت می کاهد. در تعلیم و تربیت چند موضوع مورد توجه اسلام است که اهمیت دادن به آنها، تربیت را آسان تر و پرثمرتر خواهد کرد. این موضوعات عبارتند از:

الف- ایجاد باورهای دینی

مهم ترین اعتقادی که باید در وجود انسان نهادینه شود، اعتقاد به خداوند، دوستی پیامبر و اهل بیت (ع) می باشد چنان که پیامبر (ص) فرموده است: " هر کسی که خردسالی را تربیت کند تا بگوید: " لا إله إلا الله" خداوند از او حساب نمی کشد."



و در سخن دیگری نیز فرموده اند: " اَدَّبُوا اَوْلَادَكُمْ عَلٰى ثَلَاثِ خِصَالٍ؛ حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ عَلٰى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ " یعنی فرزندان را بر سه ویژگی تربیت کنید؛ دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن."

در سوره ی تحریم آیه ی ۶ خداوند می فرماید: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا " : ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده تان را از آتش برهانید.

در روایات آمده که جوانی با شنیدن این آیه بر زمین افتاد و پیامبر اکرم (ص) به او وعده ی بهشت داد و فرمود: " ذلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدَ " بهشت مخصوص کسانی است که از مقام من پروا داشته و از وعده های عذاب من بترسند.

در روایات می خوانیم که شیوه ی حفظ بستگان از آتش دوزخ ، امر به معروف و نهی از منکر آنان است که اگر قبول کردند، آنان را از آتش حفظ کرده ای و اگر نپذیرفتند، تو به وظیفه ات عمل کرده ای.

در روایتی می خوانیم: " رَحِمَ اللهُ رَجُلًا قَالَ يَا اَهْلَاهُ! صَلَاتُكُمْ صِيَامُكُمْ زَكَاتُكُمْ مَسْكِينُكُمْ يَتِيمُكُمْ جِيرَانُكُمْ " رحمت خدا بر کسی که خانواده اش را هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقرا و ایتم و همسایگان باشید.

7

ب- آموزش قرآن

آموزش قرآن، احکام و عقاید پیش از زمانی که فکر و ذهن کودک به امور دیگر مشغول شود و یا افکار اعتقادی دیگر به او برسد، باید صورت گیرد؛ زیرا ذهن خالی آنان، بهتر و راحت تر پذیرای حق خواهد بود و مانند حوض تمیزی است که تازه ساخته شده است و با آب تمیز پر می شود. اگر چه باید متناسب با سطح سنی کودک باشد. امام علی (ع) در کتاب مقدس نهج البلاغه در نامه ی خود به امام حسن مجتبی (ع) چنین فرموده است: " وَ اَنْ اَبْتَدَنْكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَاْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْاِسْلَامِ وَ اَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا اَجَاوِزُ ذَلِكَ بَكَ اِلٰى غَيْرِهِ. " و اینکه نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و به دیگر چیز نپردازم.

آموزش قرآن به عنوان حقی از طرف فرزند بر عهده ی والدین است. این حق به ویژه در مورد پدران مصداق پیدا می کند و در احادیث به طور ویژه از پدران یاد شده که در قبال فرزندان خود تکلیف دارند به آنها قرآن و احکام اسلامی را آموزش دهند.

نمونه آن مطلبی است که در کتاب حلیه الاولیا نوشته شده، چنانکه شخصی به نام ابو رافع که یکی از یاران و اصحاب پیغمبر (ص) بوده ، تعریف کرده که روزی آن حضرت به من فرمودند: " برای قیامت چه کاری کرده ای؟ " من در جواب عرض کردم " آیا برای آن روز باید پس انداز کنم؟ ایشان فرمودند: " بله چقدر پول داری؟ " گفتم: ۴۰ دینار دارم و همه را برای خداوند متعال می دهم، ایشان فرمودند: " مقداری را ببخش و مقداری را نگه دار و به فرزندان رسیدگی کن " سوال کردم: آیا همان طور که ما بر فرزندان حق داریم آن ها هم بر ما حق دارند؟ آن حضرت در جواب فرمودند: " بله، حق فرزند بر پدر این است که قرآن را به او آموزش دهد."



بنابر قاعده و حکمت الهی، طبیعی است که هر حقی، پاداشی هم به همراه دارد، و بقدری پاداش آن زیاد است که بخش هایی از آن از سوی همان فرزند به پدر و مادری داده می شود که به او قرآن آموزش داده اند. باقیات صالحات نمونه ای از این پاداش است؛ یعنی زمانی که والدین از دنیا بروند، و به رسیدن خیری از سمت دنیا امیدوار و محتاج باشند، قرآن خواندن همان فرزند و یا انجام کارهای خیر از سوی او، به عنوان پاداشی برای آنها خواهد بود.

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که آیا والدین می توانند به جای اینکه خودشان به فرزند خود قرآن را آموزش دهند، آنها را به مراکز آموزش قرآن بفرستید؟ آیا با این کار، حق خود را نسبت به فرزندشان ادا کرده اند؟

پاسخ این است که هیچ فرقی ندارد که پدر و مادری، خودشان، قرآن خواندن و احکام اسلامی را به فرزند خود آموزش بدهند یا اینکه او را به معلمی بسپارند تا این مسئولیت را برعهده بگیرد.

سوال دیگری که مطرح می شود این است که پس با فرزندی که از یاد گرفتن قرآن و احکام الهی طفره می روند، چه باید کرد؟ آیا والدین می توانند با زور و اجبار فرزند را مجبور به یادگیری کنند تا این حق را ادا کرده باشند؟

در پاسخ باید گفت که بهترین روش آموزش قرآن و آداب اسلامی به کودکان و نوجوانان، همان شیوه ی پیغمبر اکرم(ص) است.

8

پیغمبر اسلام(ص) به صورت مداوم زمینه آشنایی مردم با قرآن و احکام اسلامی را ایجاد می کردند تا مردم به یادگیری این احکام مشتاق شوند؛ زیرا آن حضرت به خوبی می دانستند که اگر بنای آموزش اسلامی بر اجبار و تحمیل قرار بگیرد، خیلی زود دچار شکست می شود و کمتر کسی مایل به روی آوردن به دین اسلام خواهد شد.

به همین ترتیب، پدر و مادر می توانند فضای خانه را طوری طراحی و اداره کنند که فرزندان، خود به خود نسبت به یادگیری قرآن علاقمند شوند و با الگو برداری از رفتار والدین، آداب اسلامی را یاد بگیرند. در این شیوه، پدر و مادر باید مراقب باشند تا از خطاهای احتمالی جلوگیری کرده و طوری رفتار کنند که کودک و نوجوان بتواند زیبایی و آرامش موجود در دین اسلام را درک کند و به ذهن بسپارد.

ج- آموزش آداب اسلامی و احکام شرعی

آموزش آداب در اسلام به صورت کلاس درس نیست. بلکه هرگاه کودک به سنی می رسد که به دانستن آن نیاز پیدا می کند، آن را به او آموزش دهید؛ از جمله می توان به آداب معاشرت غذا خوردن، خوابیدن، پاکیزگی و نظافت، نماز خواندن، قرائت قرآن و... اشاره کرد.

در قرآن کریم در سوره ی لقمان آیه ۱۷ می فرماید: "یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ اْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُورِ" ای پسر، نماز را به پا دار و به کار پسندیده امر کن و از کار ناپسند و حرام نهی نما و بر آسیبی که بر تو وارد می شود صبر کن.

در این آیه، حضرت لقمان فرزندش را با وظایف و احکام فردی و اجتماعی آشنا می نماید.



رعایت اصول اخلاقی و مذهبی در محیط منزل، سبب می شود که والدین در تربیت صحیح فرزندان خود توفیق یابند. همچنین والدین باید در بیدار سازی و جهت دهی و پرورش فطرت و سرشت پاک انسانی بکوشند و آنان را چنان راهنمایی کنند که تمام شئون زندگی خویش را بر پایه تعالیم دین پی ریزی نمایند و با اعتقاد قلبی به آن رفتار کنند.

والدین در آموزش دین نباید به تعلیم چند نمونه عبادت ظاهری اکتفا کنند، بلکه باید راهنمایی های سعادت بخش دینی را در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی فرزندان وارد نمایند و صراط مستقیم را به آنان بشناسانند و در این راه آموزش های عملی و تلقین و ترغیب به تفکر و تدبر کمک بگیرند و بدانند که بهره برداری از روش های غیر معقول و قهری باعث سرخوردگی فرزندان می شود.

همان طور که والدین به مسائل جسمی، روحی و رفاهی فرزندان شان عنایت دارند، بسیار بیش از آن باید در مسائل معنوی و پایبندی او به دستورات اسلامی توجه کنند و با ملاحظت و عطوفت عقاید دینی را به آنان بیاموزند و همه ی سوالاتشان در این زمینه را با حوصله و گشاده رویی پاسخ دهند.

و همچنین باید آنان را با احکام و فرائض اسلامی، آشنا سازند. رسول اکرم(ص) فرمودند: "مَرَوَا صَيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ" والدین آن گاه دلسوز حقیقی فرزندانند که بیش از آنچه در اندیشه دنیای فرزندان خود هستند، به فکر معنویات و آخرتشان باشند که سعادت و رستگاری این جهان نیز بدان وابسته است.

د- آموزش مسائل مذهبی از طریق قصه

بدون شک داستان ها نقش سازنده ای در تربیت و شکل گیری شخصیت انسان ایفا می کنند؛ به طوری که دز کتب مقدس قرآن، یکی از رویکردهای مهم برای آموزش شیوه های درست زندگی و کشف حقایق، از استعاره ها و حکایات و قصه های اقوام و مردمان مختلف استفاده شده است.

خداوند متعال جهت تکامل و تعالی بشر در ابعاد مختلف، از این قالب هنری به بهترین وجه ممکن استفاده نموده و بهترین و شیواترین و جذاب ترین قصه ها را در نسخه ی جاوید خویش در اوج فصاحت و بلاغت سروده است و با ارائه اسوه های حسنه، والاترین مضامین و مفاهیم تربیتی را در تمامی زمینه های اعتقادی، اخلاقی و عبادی در آن تبیین نموده است.

والدین برای پرورش معنوی، اخلاقی و رفتاری فرزندان خود می توانند از قصه ها و داستان های تربیتی قرآن، در جهت تربیت همه جانبه اعتقادی، عبادی، اخلاقی، اجتماعی و... بهره مند شوند.

کودکان با قدرت تخیل فوق العاده ای که دارند، می توانند خود را به جای شخصیت اصلی قصه گذاشته و از آن تقلید کنند؛ از این رو داستان واقعی اولیاء و انبیاء الهی می تواند ابزار تربیتی خوبی در جهت افزایش آگاهی و مهارتهای فرزندان باشد.(شبکه خبر گذاری سلامت)

پ-مراقبت بر نماز خواندن فرزندان



در قرآن کریم در سوره ی طه آیه ۱۳۲ می فرماید: " وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا " خانواده (زن و فرزندان) خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش.

یا در سوره ی لقمان آیه ی ۱۷ حضرت لقمان به فرزندش گفت: " يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ " ای فرزندم نماز را به پا دار.

ح-اصلاح و رشد گرایش های اعتقادی فرزند با پند و اندرز

حضرت لقمان برای انجام دادن وظایف اعتقادی خود در برابر فرزندش نکات مهمی درباره توحید الهی و معاد برای او بیان می کند؛ از جمله می فرماید: " وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ " هنگامی که لقمان به پسر خویش در حالی که او را اندرز میداد گفت: ای پسر من ، به خدا شرک نیاور که به راستی شرک ظلم بزرگی است.

والدین وظیفه دارند که اصول اعتقادی را به درستی بیاموزند و به فرزندانشان آموزش دهند و برای تربیت فرزندان خود بهتر است از زبان عمل است نه اینکه خود به هر کار ناشایستی دست بزنند و بعد فرزند خود را از آن بر حذر دارند مثلاً؛ پدری که سیگار می کشد هر چقدر فرزندش را از این امر نهی کند تاثیری نخواهد داشت.

مولای متقیان (ع) در حکمت ۳۹۹ نهج البلاغه می فرماید: حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برای او بگذارد، خوب تربیتش کند، و به او قرآن بیاموزد.

به راستی اگر مسلمانان به این دستور العمل های سعادت آفرین اسلام که از زبان امام معصوم تراوش کرده عمل کنند، و به حقوق هم احترام بگذارند، جامعه ی اسلامی بسیار بهتر از این خواهد بود. (تبیان " مقالات قرآنی " ، ۱۳۸۹)

۵-علل اهمیت تربیت مذهبی فرزندان

۵-۱-هماهنگی مسائل مذهبی با فطرت خدادادی بشر:

تربیت دینی با فطرت و خواسته های فطری انسان هماهنگ است، از این رو برنامه های دینی به طور کامل با عقل و عقلانیتی منطبق است که از نهاد بشر بر می خیزد. به فرموده ی علامه طباطبائی: " دین، انسانیت را به سوی یک سلسله مسائل حیاتی دعوت می کند که قبل از آن، فطرت خدادادی، وی را به آن می خواند."

در سوره ی روم آیه ی ۳۰ می فرماید: " فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا " و پیوسته از طریقه ی دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است.

فطرت؛ در لغت به معنای خلقت و شکافتن پرده عدم آفرینش یک موجود است. گویا خداوند انسان را به گونه ای آفریده که به حق تمایل دارد و از باطل بیزار است، درست همانند علاقه ی مادر به فرزند که امری تعلیمی نیست بلکه فطری و غریزی است.



برخلاف تصور گروهی که می گویند؛ انسان مثل ظرف خالی است که با آداب و رسوم و افکار حق یا باطل پر می شود و نظامهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می دهند، خداوند شناخت حق و حق گرایی را در وجود او به ودیعت نهاده است. ولی معنای فطری بودن دین، به معنای بی نیازی از تلاش در راه اقامه ی آن نیست ، و انحراف یک عارضه است ؛ زیرا گرایش به دین حق در نهاد هر انسانی نهفته است. و حرکت در مسیر دین، حرکت در مسیر فطرت است و اسلام تنها دین پایدار است.

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده است : هر نوزادی بر فطرت پاک آفریده می شود یعنی بر معرفت به اینکه خدای عز و جل خالق اوست و این کلام خداوند نیز ناظر به همین معناست.

علامه مجلسی در جلد دوم بحار الانوار فرموده: آنچه ظاهر می شود از اخبار اینست که خداوند عالم قرار داده عقول خلق را بر توحید و اقرار صانع عالم در خلق در وقت میثاق گرفتن از ایشان که یوم "الست" باشد، پس قلوب جمیع خلق مقرر و معترفند به آنچه ذکر شد، و اگر انکار کنند ، پس از روی عناد و تکبر و ضلال است و همچنین در اعلامیه ی اسلامی حقوق بشر، مصوب وزرای خارجه ی کشورهای اسلامی (۱۹۹۰ قاهره) در مادی (۱۰) گفته شده : اسلام دین فطرت است و به کار گرفتن هر گونه اکراه نسبت به انسان یا بهره گیری از فقر یا جهل او جهت تغییر دین به دینی دیگر یا به الحاد جایز نمی باشد.

11

۵-۲- تربیت مذهبی بر مبنای واقع بینی : تربیت دینی بر واقع بینی مبتنی است، نه پندار و توهم؛ زیرا همانگونه که گفته شد، دین با فطرت انسان ارتباط مستقیم دارد و فطرت انسانی نیز حقیقت دعوت می کند، نه توهم ، چنان که وقتی نوزاد گرسنه می شود، نه تصویر شیر.

اسلام نیز انسان را از پیروی هوی و هوس و خرافه پرستی که توهمی بیش نیست، نهی می کند و به آنچه حق است و صلاح فرد و جامعه در آن است فرمان می دهد. بر همین اساس، انسان مومن در پرتوی آموزه های اسلام، در مقابل، تربیت غیر دینی ، هدفی جز دعوت به پندار گرایی و فرو رفتن در لهو و لعب و خوش گذرانی ندارد و در حقیقت ، سرابی بیش نیست، مولای متقیان (ع) در این باره می فرماید: "الهوی شریکُ العمی" هوای نفس شریک نابینایی است. از آنجا که (عمی) به معنای نابینا و در مقابل بیناست، می توان گفت؛ هواهای نفسانی نیز که با آن شریک است، از حقیقت بی بهره است.

۵-۳- اعتدال در تربیت مذهبی: تربیت دینی مبتنی بر اعتدال و میانه روی است و بدون اینکه انسان را از لذت های حلال دنیا باز دارد، میان زندگی دنیا و آخرت تعادل برقرار می کند. انسان نمی تواند زندگی یک بعدی داشته باشد و تنها به مادیات یا معنویات بسنده کند؛ زیرا در جهان ماده بدون مادیات یا معنویات بسنده کند؛ زیرا در جهان ماده بدون مادیات نمی توان زندگی کرد. همچنین زندگی بدون خدا شناسی و خدا پرستی ممکن نخواهد بود.



تربیت دینی می کوشد انسانی پرورش دهد که زندگی دنیا را مقدمه حیات اخروی بداند و از آن برای زندگی پس از مرگ توشه بگیرد، در حالی که در تربیت غیر دینی، زندگی را به عالم ماده منحصر می داند. و برای ماورای آن اهمیتی قائل نیست.

۵-۴- حس مسئولیت پذیری در تربیت مذهبی:

تربیت مذهبی، حس مسئولیت پذیری را به گونه ای در انسان پرورش می دهد که وی خود را در همه ی کارهای فردی و اجتماعی، نزد خدا مسئول بداند. مومن با ایمان قلبی خود همیشه خدا رو حاضر و ناظر می بیند. وی بر این باور است که: "وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ" خداوند بر همه ی آنچه انسان انجام می دهد، احاطه کامل دارد.

۵- پرورش روح انسان: هدف اصلی تربیت مذهبی، پرورش روح انسان است و می کوشد که انسان را از نظر روحی به خدا نزدیک سازد و سرانجام به مقام قرب الهی برساند. و طبیعی است که این امر با تربیت درست و تزکیه ی نفس امکان پذیر است. (پایگاه بین المللی سکوهای خبری شیعه، ۱۳۹۸)

۶- دلایل اهمیت تربیت مذهبی فرزندان در دوران کودکی

برخی دستورهایی عملی برای تربیت فرزندان داده شده که ناظر بر آموزش امور دینی و برخی مهارتهای اجتماعی ایشان است. از جمله: یاری کردن به فرزندان در کارهای نیک، راهنمایی او به شناخت خدا و کمک به او در اطاعت از پروردگار، وا داشتن و تشویق ایشان به نماز از هفت سالگی، آموزش قرآن و معارف دین برای مصون ماندن آنان از انحرافات اعتقادی و شنا و تیر اندازی و خواندن و نوشتن و نیز تلاش در امر ازدواج ایشان پس از رسیدن به بلوغ.

درباره اصول کلی تربیت نیز توصیه هایی شده است. از جمله؛ والدین باید توجه داشته باشند که فرزندان در سنین پایین تر تربیت پذیرترند و در صورت انحراف در این دوران، تربیت بعدی آنان سخت خواهد بود. همچنین روایات توجه ایشان را به این مطلب جلب می کنند. در منابع اخلاقی نیز به حقوق فرزندان توجه شده است. این کتاب ها علاوه بر آن که مراحل گوناگون رشد کودک تا بلوغ وی و احوال و صفات او را در این دوران بیان می کنند. برای والدین نیز دستور العمل ها و توصیه هایی دارند.

غزالی تربیت فرزندان را که از آن با تعبیر ریاضه الصبیان یاد کرده از مهمترین کارها دانسته ، زیرا فرزند امانتی نزد والدین است و چون نفس بی آلاچی دارد، برای هر تربیتی پذیرش لازم را دارد. از این رو، نقش والدین و معلمان او در رسیدن وی به سعادت یا محروم نشدن از آن شقاوت موثر است و ایشان در ثواب و عقاب وی شریک خواهند بود.

بر این اساس ، والدین باید از همان ابتدای کودکی به تادیب و تهذیب نفس کودک اهتمام ورزند و او را از هم نشینی با دوستان نامناسب و نیز تن پروری و رفاه بیش از حد و توجه به زخارف دنیوی باز دارند، بلکه توجه فرزند خود را به معنویات و امر دین جلب کنند. این دستورها با توجه دادن والدین به تاثیر شیر در انتقال پلیدیهای زن شیرده به کودک و این که آن زن باید متدین باشد و از غذای حلال استفاده کند، آغاز می شود و پس از توصیه به تقویت خوی



حیا در کودک ، به آداب غذا خوردن و لباس پوشیدن و دوست یابی، فراگیری خواندن و نوشتن و یادگیری قرآن و حدیث و اشعار نیک و احوال نیکان می پردازد. در ادامه هم به آداب دیگر، چون نشست و برخاست و صحبت کردن و بازی کردن ، سرانجام دستورهایی مربوط به پس از بلوغ یعنی (توجه به اقامه نماز و روزه و یادگیری برخی تکالیف و احکام شرعی مورد نیاز) التفات می کند.

کودکان تا زمانیکه کم سن و سال هستند والدین باید در جهت رشد و تعالی معنوی آنان تلاش کنند و به نوعی شخصیت معنوی آنان را شکل دهند ولی وقتی به سن رشد و بلوغ می رسند بیشتر تحت تاثیر عوامل محیطی و دوستان هستند و متأسفانه امروزه هم که در فضای مجازی و سایبری انحرافات اخلاقی فراوانی به چشم میخورد که اگر کودکی در سنین پایین تحت تربیت درست مذهبی قرار نگرفته باشد و مطابق با آموزه های دینی تربیت نشده باشد، ممکن است تحت تاثیر دوستان ناهل یا عوامل محیطی نادرست از راه هدایت و حق منحرف گردد. فلذا اصول تربیتی بیشتر در سنین پایین کودک موثر است و وقتی کودک کم کم رشد کرده و به بلوغ فکری و عقیدتی می رسد می تواند برای خود و زندگی و سرنوشت و اینکه در مسیر هدایت قرار گیرد یا شقاوت تصمیم گیرنده باشد و از این سن به بعد دیگر فرزند میتواند انتخاب گر مسیر خویش باشد و والدین بیشتر نقش راهنما را دارند.

این حق بر آزادی و انتخاب حقی است که در سنین بالاتر برای فرزندان بوجود می آید و آرام آرام نقش والدین کم رنگ تر شده و فرزند به تنهایی و با توجه به آموزه های کودکی تصمیم گیرنده است. به این امر هم در منابع فقهی ما و هم آیات قرآن کریم و هم اسناد حقوقی داخلی و بین المللی اشاره شده است به چند نمونه از آنرا تبیین میکنیم:

۷- آزادی عقیده

۷-۱- ادله ی نقلی آزادی عقیده و مذهب در اسلام

مساله ی آزادی عقیده و مذهب از قبیل مسائل تعبدی و توفیقی نیست که مصالح و مفاسد آن بر عقل انسانی مخفی باشد، بسی شک هر کسی که در این زمینه رایی صادر کرده است پس از محاسبه ی هزینه و فایده ی آن چنین کرده است. عالمان دین ، متکلمان و فقیهان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آن که بر علیه آزادی عقیده و مذهب فتوا می دهد بی شک مضار و مفاسد آن را بیشتر محاسبه کرده است و آنکه بر آزادی عقیده و مذهب تاکید می کند قطعاً مصالح و فوائد آن را بیشتر از زیان های آن می داند. اگر مساله آزادی عقیده و مذهب عقلی است می باید قبل از بررسی احکام نقلی که بی شک ارشاد به حکم عقل خواهد بود، تکلیف مساله را در حوزه عقل و عقلا روشن کرد.

آیاتی از قرآن کریم وجود دارد که به نحوی آزادی عقیده و مذهب را اثبات می کنند:

- ۱-مهمترین آیه ای که نشان دهنده ی عدم هر گونه زور و اجباری در پذیرش دین است؛ آیه ی ۲۵۶ سوره ی بقره است که خداوند می فرماید: " لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ "



این آیه نشانگر نفی اکراه و اجبار در دین است و می فرماید در دین اکراه روا نیست؛ چرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است، پس هر کس که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به راستی که به دستاویز استواری دست زده است که گسستگی ندارد و خداوند شنوای داناست.

۲- و در آیه ی ۹۹ سوره ی یونس می فرماید: " و اگر پروردگارت می خواست تمامی اهل زمین ایمان می آوردند. پس آیا تو (ای پیامبر) مردم را به اکراه و می داری تا اینکه مومن شوند؟

می بینیم که در این آیه نیز پروردگار به بی نیازی خود از ایمان آوردن مردم اشاره میکند و حتی رسولش را از اجبار به این امر نهی میکند زیرا ایمان یک امر قلبی است که باید با میل و رغبت فرد پذیرفته شود و اگر ایمانی به اجبار پذیرفته شود دیگر در نزد پروردگار فاقد ارزش می باشد.

۳- آیه ی ۲۹ سوره ی کهف میفرماید: " ای پیامبر، بگو حق از جانب پروردگارتان است، پس هر که می خواهد ایمان بیاورد و هر که می خواهد کافر شود، ما برای ستمکاران آتشی مهیا کرده ایم."

با اینکه در حقانیت اسلام تردیدی نیست، ولی با این وجود قرآن کریم به صراحت اعلام می کند و هر که می خواهد نپذیرد و کافر شود. خداوند تنها جزای اخروی کفر را گوشزد کرده است. اما در دار ابتلا یعنی قرار است کسی به خاطر عقیده و دینش مجازات شود؟

اگر چنین بود دیگر هر که ایمان خواهد و هر که کفر خواهد، معنی نداشت. خداوند در این آیه مبنی آزادی مذهب را در دنیا و سزای انتخاب نادرست را در آخرت تذکر می دهد و مومنان حق ندارند منطق متین الهی را فرو نهند و به منطق خشونت و اجبار و تهدید در دیندار کردن دیگران رو آورند.

۷-۲- دیدگاه حقوق بین الملل در مورد احترام به آزادی عقیده

حقوق بین الملل عمومی، هیچ گونه تبعیضی را چه به دلیل تفاوت در جنسیت، سن، نژاد، رنگ، زبان و چه اختلاف در دین بر نمی تابد و بر اساس اعلامیه حقوق بشر جهانی و میثاق های بین المللی، همه ی آحاد بشر، صرف نظر از نوع تعلق دینی و مذهبی یا عدم تدین، از حقوق مساوی برخوردارند.

"اعلامیه ی محو انواع برابری و تبعیض مذهبی " مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ با تاکید بر آزادی انتخاب مذهب و نفی اجبار و اکراه مذهبی، همه ی افراد بشر را به حیث تعلق دینی و مذهبی با هم مساوی اعلام می کند و با پذیرش اصل کثرت گرایی دینی بر عدم تبعیض مذهبی تاکید دارد.

این سخن برین معناست که چون بین پیروان ادیان مختلف تبعیضی وجود ندارد، نظام حقوق بشر جهانی قائل به پلورالیزم و کثرت گرایی دینی است. مهمتر آنکه بند سوم ماده ۲۱ اساس نامه تاسیس دیوان کیفری بین المللی مورخ ۱۹۹۸ اعلام می دارد که، دولت های امضا کننده این معاهده باید در روابط درون مرزی و برون مرزی خود بدون هیچ گونه تبعیضی چه بر اساس تعلقات مذهبی و چه جنسیت، سن، نژاد، رنگ، زبان، و غیره معیارهای حقوق بشر جهانی رعایت کنند.



در حقوق بین الملل عمومی ، بر اساس حقوق بشر جهانی ، اصل تساوی همه انسانها بی توجه به نوع تدین ایشان است. بنابراین در حقوق بشر جهانی، اصل بر کثرت گرایی دینی است و هر گونه تبعیض دینی ، مانند تبعیض نژادی، ممنوع است. به عکس، در نظامهای دینی ، از جمله در نظام حقوقی اسلام ، تساوی ادیان مورد پذیرش نیست.

بر اساس فتاوی فقیهان ، منکران نبوت پیامبر اسلام (یعنی پیروان همه ی ادیان غیر اسلام) نجس هستند، به نحوی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی و دیگر قوانین عادی همواره این تبعیض بر ادیان غیر از اسلام اعمال می گردد اما حقوق بین الملل عمومی هیچ گونه تبعیضی را چه به دلیل تفاوت در جنسیت ، سن، نژاد، رنگ، زبان و چه اختلاف در دین بر نمی تابد و بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشر بر آزاد بودن هر فرد در انتخاب هر گونه عقیده دینی و انتساب به هر مذهبی یا تغییر مذهب یا عدم تدین تاکید دارد. همچنین با اندیشه ی محو انواع نابرابری و تبعیض مذهبی تاکید دارد برعکس نظام های دینی و این یک تفاوت عمده در نظام مذهبی ما با بین الملل می باشد.

در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد در ماده ی ۱۸ بند (۲) بیان شده که: هیچ کس نباید مورد اکرایی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.

و در ماده ی ۱۹ بند (۱) همین اعلامیه بیان شده که؛ هیچ کس را نمی توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. (فریدی، مارس ۲۰۲۰)

15

۸-وظیفه ی دولت در تسهیل امر تربیت مذهبی

در اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی ملل متحد در ماده ی (۱۸) بند (۴) بیان شده که : دولت های طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سر پرستان قانونی کودکان را در تامین آموزش های مذهبی و اخلاقی کودکان را در تامین آموزش های مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند و در اعلامیه ی اسلامی حقوق بشر، مصوب وزرای خارجه ی کشورهای اسلامی (۱۹۹۰ قاهره) در ماده ی (۹) بند الف گفته شده: طلب علم یک فریضه است و آموزش و پرورش امر و تکلیف واجبی بر جامعه و دولت است که باید راه ها و وسایل آن را فراهم کند و متنوع بودن آن را به گونه ای که مصلحت جامعه ایجاب می کند تامین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای اصلاح بشریت به کار گیرد.

و در بند ب بیان شده: حق هر انسانی است که موسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده و مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه های تبلیغاتی و غیره که در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان ها کوشش می نمایند و برای تعلیم و تربیت کامل او تلاش کنند و شخصیتش را به گونه ای پرورش دهند که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت آن فراهم شود. (فریدی، مارس ۲۰۲۰)



۸-۱- شیوه ی دعوت به سوی مذهب

به عنوان حُسن ختام این تحقیق جا دارد که این نکته را یادآور شویم که علاوه بر تربیت مذهبی درست فرزندان شیوه ی دعوت آنان به سمت مذهب نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

در قرآن کریم علاوه بر آزادی در انتخاب دین ، روش دعوت به دینداری را هم بیان کرده و پیامبر (ص) را مورد خطاب قرار داده که والدین نیز می توانند از آن الگو بگیرند. چنانچه در سوره ی نحل آیه ی ۱۲۵ می فرماید: " به راه پروردگارت با حکمت و پندهای فراخوان و با آنان به شیوه ای که بهتر است مجادله کن، چرا که پروردگارت داناتر است که چه کسانی از راه او گمراه شده اند و هم او به راه یافتگان داناتر است."

می بینیم که منطبق قرآن در دعوت مردم به دین ، طرق مسالمت آمیز و معقول است، استفاده از عقل و خرد مردم به دین ؛ تذکر و پند، جدال احسن است نه ارباب و تهدید یا اکراه و قتل که این امور در منطق دینی جایی ندارد و اسلام دین رحمت است و دعوت دینی آن نیز رحیمانه است. (مقاله آزادبهای عقیدتی، دینی و سیاسی و اسناد حقوق بشر " برگرفته از کتاب حق الناس ")

۹- نتیجه گیری

از جمله حقوق اولیه فرزندان که بر عهده ی والدین می باشد، تربیت مذهبی است که این حق با تولد فرزند بر عهده ی والدین قرار نمی گیرد بلکه از مدتها قبل از ازدواج بر عهده ی فردی است که میخواهد تشکیل خانواده دهد. و فرد باید در درجه ی اول با تهذیب نفس و خود سازی و انتخاب همسر مناسب و متدین بستر شکوفایی مذهبی فرزندش را از دوران پیش از تولد فراهم نماید. و پس از تولد با رعایت شئون اسلامی و اخلاقی و آموزش های لازم و بموقع زمینه ساز شکوفایی فطرت خدادادی فرزند شود، و با آموزش احکام و آیات الهی فرزند را به سمت مسائل مذهبی سوق دهد، تا این ایمان قلبی در جان فرزند رسوخ کرده و فهم کاملی نسبت به مسائل مذهبی پیدا نماید.

نکته ای که در این زمینه حائز اهمیت است، توجه والدین به این موضوع می باشد که تمامی آموزش های لازم تا قبل از سن نوجوانی و بلوغ بسیار تاثیر گذار می باشد، زیرا بعد از بلوغ و سن رشد، شخصیت فرزند شکل گرفته و دیگر آموزش پذیری کم می شود و نقش محیط اطراف، دوستان، فضای مجازی و... پررنگ شده و فرزند حق انتخاب و آزادی عقیده داشته و از این پس، می بایست دین حق را با توجه به قدرت استنباط عقلی و اختیار خویش برگزیند.



۱۰- فهرست منابع

قرآن کریم

الف- منابع فارسی و عربی

۱. ابن ابی الحدید، (بی تا)، شرح نهج البلاغه ، بی جا، موسسه اسماعیلیان، للطباعه و النشر و التوزیع.
۲. دوره حقوق مدنی خانواده، ناصر کاتوزیان ، ج ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۹.
۳. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران ، بی تا.
۴. نیک روش رستمی، ملیحه، حقوق اقلیت های قومی- مذهبی در اسناد بین المللی حقوق بشر، پژوهش نامه حقوق بشر.
۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۵۱)، مکارم الاخلاق. بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۶. پرچم، اعظم (۱۳۹۲)، جایگاه حقوق فرزندان در اسلام، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی.
۷. نوری، میرزا حسن (۱۳۸۲)، مستدرک الوسائل، تهران، المکتبه الاسلامیه.
۸. غروی، بانو (۱۳۷۴)، تربیت فرزند، تهران: موسسه انتشارات نبوی.
۹. شهرری، محمد (۱۴۹۳). میزان الحکمه ، قم: دارالحدیث.
۱۰. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴) ، تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی ، قم: دفتر انتشارات اسلام جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴) ، بحار الانوار، تهران، اسلامیه.
۱۲. سلیمیان ریزی، راضیه ، اسلام و تربیت فرزند، (مجله / نامه / خرداد و تیر ماه سال ۱۳۹۳ / شماره ۱۱۰)
۱۳. پرتال جامع علوم انسانی، نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، بابک پور قهرمانی گلپه، رواق اندیشه ۱۳۸۳، شماره ۲۸.
۱۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
۱۵. موسوی، سید رضا - افشار، بهمن: " قانون مدنی"، تهران: انتشارات هزار رنگ، ۱۳۹۹.
۱۶. محقق داماد، سید مصطفی: " بررسی فقهی حقوق خانواده"، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۳، ۱۳۸۵.



۱۷. سلیمیان ریزی، راضیه " جامعه (پایگاه اطلاع رسانی حوزه)"، شماره ۱۱۰، ۱۳۹۳.

۱۸. میرزایی، سید امین " پژوهه (علوم انسانی و اسلامی)"، شماره ۷۲۷۷، خرداد ۱۳۹۰.

۱۹. فریدی، علی اصغر " مجله حقوقی ما (وجود مذهب رسمی، اقلیت ها را آسیب پذیرتر می کند)، شماره ۱۱۵، مارس ۲۰۲۰.

۲۰. مقاله آزادیهای عقیدتی، دینی و سیاسی و اسناد حقوق بشر، نوشتار هشتم " برگرفته از کتاب حق الناس"،
بخش سوم

ب- منابع الکترونیکی

1. <https://ensani.ir>
2. <https://iranhr.net>
3. <https://kadir.com>
4. <https://sokhanrani.iranseda.ir>
5. <https://alvahy.com>
6. <https://tadabbor.org>
7. <https://pajohe.ir>
8. <https://www.tasnimnews.com>
9. <https://fa.the-koran.org>
10. <https://fa.shafagna.com>
11. <https://ir.uoanews.com>
12. <https://article.tebyan.net>
13. <https://www.tebyan.net>
14. <https://www.rc.majlis.ir>
15. <https://www.salamattv.ir>